

چکیده

پژوهش در خاستگاه‌های هنر تصویری، یکی از خلأهای مطالعاتی تاریخ هنر ایران به‌شمار می‌رود. افزایش یافته‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر، زمینه‌ی کمی دستیابی به اسناد بصری را در دوره‌های پیش‌ازتاریخ، مهیا ساخته است. در اغلب تحقیقات، تصاویر سفالینه‌ها به‌صورت موردی برای پی‌بردن به ذهنیات، اعتقادات و فرهنگ آن زمان، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و پرداختن به ذات تصاویر، مغفول واقع شده است. پژوهش بنیادی حاضر با طرح این مسأله‌ی کلی شکل گرفت که اصول و مبانی بصری تصویرنگاری در دوره‌ی پیش‌ازتاریخ ایران چگونه بوده است و سوالات فرعی بسیاری در این ارتباط مطرح گردید؛ آیا در خلق تصاویر، از یک ساختار ترکیب‌بندی کلی استفاده شده است؟ در غیر این‌صورت چه روش‌های کلی‌ای برای قرارگیری تصاویر در محدوده‌ی کادر، به کار رفته است؟ چه عناصر بصری و نقشمایه‌هایی، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟ اجزا تصویر، مطابق با چه کیفیات بصری، چیدمان شدند؟ آیا مناطق و دوره‌های مختلف، شاخصه‌های تصویری منحصر به فرد یا مشترک داشته‌اند؟ پژوهش تاریخی-تحلیلی حاضر به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها شکل گرفت. سفالینه‌های منقوش، از میان سایر اسناد تصویری انتخاب شدند و با هدف دستیابی به شناختی کلی از ویژگی‌های تصویری، رویکردی فرم‌گرایانه اتخاذ گردید که به بررسی ساختار بصری نقوش سفالینه‌ها، به‌واسطه‌ی تصویر بودنشان و به‌عنوان شواهدی فرمی و نه محتوایی، پرداخت.

پهنه‌ی جنوب‌غربی به‌دلیل پویایی، پیشرفت و توالی تاریخی جوامع پیش‌ازتاریخ در آن و زاگرس جنوبی، به‌دلیل هم‌جواری، غنای تصاویر و هم‌پوشانی دوره‌های زمانی با پهنه‌ی پیشین، به‌عنوان جغرافیای پژوهش، انتخاب گردیدند. سایت‌های مهم پهنه‌ی جنوب‌غربی شامل چغامیش، جعفرآباد، جوی، بندبال، چغابوت، قبر شیخین، شوش، فرخ‌آباد، تپه سبز و چغاسفید هستند و همچنین، تل موشکی، جری، گپ و باکون، مهم‌ترین مناطق پهنه‌ی زاگرس جنوبی را در این دوره تشکیل می‌دهند. یافته‌های این مناطق، از طریق مطالعه‌ی گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی و مشاهده‌ی اشیاء موزه‌ای، گردآوری شدند و حدود ۴۰۰۰ نمونه تصویر به‌دست آمد. براساس اصول و مبانی هنرهای تجسمی و تصاویر موجود، معیارهای ارزیابی تصاویر مشخص شدند و متغیرهای بصری در سه گروه؛ ساختار کلی، عناصر و کیفیات بصری و نقشمایه‌ها با زیرمجموعه‌های مرتبط، تعیین گردیدند و تصاویر بر مبنای الگوی تحلیلی-تطبیقی طراحی شده، مورد بررسی قرار گرفتند. ابتدا یافته‌ها به تفکیک مناطق و پهنه‌های جغرافیایی، مورد تحلیل قرار گرفته، جمع‌بندی شدند و سیر تحول ویژگی‌های بصری در هر پهنه‌ی جغرافیایی، مشخص گردید. در مرحله‌ی بعد، یافته‌ها به تفکیک دوره‌های زمانی پیش‌ازتاریخ، مورد مطالعه‌ی تطبیقی قرار گرفته و شاخصه‌های تصویری هر منطقه و دوره در صورت وجود، استخراج گردید و در پایان، سیر تحول و تکامل هریک از متغیرهای بصری جمع‌بندی شدند.

تقسیم‌بندی دوره‌های زمانی پیش‌ازتاریخ به‌ترتیب زمانی؛ عتیق، قدیم، میانه، جدید (۱ و ۲) است. در دوره‌ی عتیق، بیشترین شباهت‌ها بین تصاویر دو پهنه و در دوره‌ی جدید ۲، کمترین شباهت‌ها مشاهده می‌گردد. در جنوب‌غربی، تغییرات در ساختار ترکیب‌بندی و در زاگرس جنوبی، نقشمایه‌های متفاوت، باعث تنوع تصاویر گشته‌اند. در برخی مناطق، تصاویر یافته‌ها، قابلیت کمی و کیفی سبک‌شناختی دارند. خط، عنصر غالب با کاربردهای طرحی و ساختاری متنوع، در عموم مناطق است. تکرار، تقارن، حرکت، چرخش و تضاد، از کیفیات کاربردی در تصاویر هستند. با استفاده از الگوی پیشنهادی و اعمال تغییرات جزئی در زیرمجموعه‌ی متغیرهای بصری، متناسب با یافته‌های جدید، می‌توان به مشخصات ساختار بصری تصاویر سفالینه‌های منقوش سایر مناطق پیش‌ازتاریخ ایران نیز دست یافت. شناخت ویژگی‌ها و ماهیت تصاویر، بستر شکل‌گیری پژوهش‌های کاربردی و بنیادی بسیاری را فراهم خواهد آورد.

کلیدواژه‌ها: ساختار بصری، سفالینه منقوش، جنوب‌غربی، زاگرس جنوبی، پیش‌ازتاریخ